

یادداشت کارگری هفته

دوران سخت کرونا در ایران، موج اعتراضات مطالباتی همچنان در خیابان ها برپاست!

امیر جواهری لنگرودی



پس از گسترش سریع ویروس کرونا از شهر قم به سراسر کشور، در واپسین ماههای سال گذشته، اکنون عمر بقاء و دوام پاندمی کُووید ۱۹ و تداوم اثرات منفی آن بر زندگی مردم و خاصه کارگران و زحمتکشان ایران، کم کم یکساله می شود. مهمترین تأثیر کرونا بر اقتصاد کشور، بیکاری هزاران کارگر و تعطیلی ده ها کارگاه و کارخانه و واحد خدماتی و بخشاً رکود صنایع در سطح ملی است که قطعاً معیشت و زندگی کارگران و بازنشستگان را سخت تر از پیش کرده است.

در پهنه ی رودرویی ها از آن روز تا کنون، این خیل وسیع جمعیت ۹۹ درصدی جامعه ی ما یعنی کارگران، معلمان، پرستاران، سایر مزد بگیران جامعه مانند بازنشستگان کشوری، لشگری و فرهنگی و بازنشستگان «مشاغل سخت و زیان آور» امروز که کارگران و کارمندان دیروزند به همراه خانواده هایشان و حتی بیکاران امروز که کارگران دیروزند، دانشجویان و فارغ التحصیلان، عملاً به دشوارترین شکل ممکن روزگار می گذرانند.

دشواری زندگی و معیشت این جمعیت میلیونی، امروز در تمامی زمینه ها خود را در وضعیت کارگران قراردادی و روزمزد، خاصه کارگران ساختمانی و دست فروشان، زنان سرپرست خانواده که در متروها دستفروشی می کنند، باربران و کولبران با بسته شدن خطوط مرزی خطه کردستان و کودکان کار، نیروی وسیع زحمتکشان روستایی و مشکلات تولید آنان... همه و همه خود را نشان داده است. به گونه ای که پیگیری گزارش های نوشتاری و تصویری آن در سطح شبکه های مجازی استخوان خرد می کند!

طبق گزارش چندماه پیش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پاندمی کرونا بین ۲ الی ۶ میلیون کارگر را در کشور بیکار کرده است و صنوف بسیاری مجبور به تعطیلی حرفه‌ی خود شده‌اند. بی‌شک این کارگران و زحمتکشان، خانواده و فرزندان نیز دارند که معیشت، آموزش و تأمین نیازهای اولیه‌ی آنها نیز به شغل و درآمد پدر یا مادر کارگیشان وابسته است. با این توصیف دولت باید با تعیین مستمری لازم که در برابر رشد تورم موجود پاسخگو باشد و زحمتکشان بی‌دفاع بتوانند به ادامه‌ی زندگی برآیند، از همه‌ی آنها همچون بسیاری از زحمتکشان دیگر کشورها، حمایت کند. در کنار حمایت‌های اجتماعی ویژه از کارگران که می‌تواند چتری باشد برای دفاع از نیروی کار کشور که در گوران این بحران سخت و جانکاه، به درون خانه‌ها عقب نشینی کردند.

کارگزاران نظام با گذشت بیش از ده ماه از شیوع کرونا در کشور، آنگاه که به خود آمدند که باید این نیروی میلیونی را به خانه بفرستند، با حواله‌ی ۱۰۰ هزار تومان به اضافه‌ی ۴۵ هزار تومان یارانه، کارگران بحران زده را دعوت به خانه نشینی کردند. این مبلغ اعلام شده نیز فقط به یک سوم جمعیت ایران تعلق می‌گیرد؛ یعنی با توجه به جمعیت ۸۴ میلیون نفری ایران، حدود ۲۵ میلیون نفر این یارانه را از دولت دریافت می‌کنند. به این ترتیب این افراد تا پایان سال مبلغی برابر با ۴۰۰ هزار تومان را طی چهار ماه به صورت بلاعوض دریافت می‌کنند. بدین ترتیب نه تنها مستمری یا مقرری حمایتی فراگیر به همه‌ی شهروندان پرداخت نشده، مستمری بیمه‌ی بیکاری نیز که بخش اصلی حقوق قانونی کارگران را طبق قانون اساسی، قانون کار و نیز نظام تأمین اجتماعی باید شامل هر شهروند جامعه می‌شد، هنوز به موقع و به میزان کافی به هیچ‌کدامشان پرداخت نکرده‌اند! مرور این دوره به ما فهماند که نهادهای حاکمیت چشمان خود را بر فاجعه‌ای که در راه است، بسته‌اند و به فریب افکار عمومی به دست گزارشگران و رسانه‌های دروغ‌پردازان دل خوش داشته‌اند. به ما فهماند که حاکمیت هیچ نقشه‌ی راهبردی برای برون‌رفت از وضعیت آچمز موجود نداشته، بلکه تنها با سرکوب عریان همه‌ی ساز و کارهای پیشنهادی کنشگران و نخبگان، جامعه را بسته و زندان‌ها را گشوده است. حاکمیت به جای تسلیم شدن در برابر خواست مردم، بر آن است که با اعمال خفقان عمومی و سانسور رسانه‌ها و صداها، مستقل بر واقعیت موجود سرپوش بگذارد و هر زبان معترضی را قطع کند!

در این میان، ورق زدن روز شمار کارگری هفته (در فاصله‌ی جمعه ۱۴ تا جمعه ۲۱ آذر) به ما نشان می‌دهد که زحمتکشان برای گذران زندگی راه بدست آوردن نان را مقابل کرونا و حفظ جان در میان گزینه‌ی خانه ماندن و کرونا و دو راهی مصاف جان و نان، انتخاب کرده و در سلسله اعتراضات خیابانی به شکل روزمره، شعار اول خود ساخته‌اند!

از آغاز سال تا به امروز نه تنها بهبودی در شرایط زندگی و معیشت مردم ایجاد نشده، بلکه وضع به مراتب بدتر و غیرقابل تحمل‌تر شده است. شانه‌های مردم زیر فشار کمر شکن گرانی خرد شده و سقوط سرسام‌آور ارزش پول ملی در یک سال گذشته مردم فقیر را فقیرتر و بسیاری دیگر را به زیر خط فقر رانده است. باید گفت: اربابان زر و زور و ذینفعان نظام و کاسبکاران اقتصادی، برجان و تبار طبقه‌ی ما چنگ انداخته و امنیت شغلی و معاش روزانه‌ی کارگران و زحمتکشان را سلب و آنان را به فلاکت دچار کرده‌اند. ابعاد نداری و فلاکت در حدی است که اکنون در توصیف دوران بحران کرونایی و ویرانی وضعیت موجود، به در راه بودن «انفجار گرسنگی توده‌ای» اشاره می‌شود. در دل این بحران عظیم، همه‌ی جناح‌های درون نظام، غرق در فساد مالی، انحطاط اخلاقی و ورشکستگی سیاسی‌اند و مردم نیز دیر و تلخ اما به‌درستی دریافته‌اند که آزموده را آزمودن خطاست.

سرتیتر این اعتراضات بیش از هر حرف و حدیثی، گویای دشواری وضعیت موجود است که عیناً از روزشمار کارگری هفته استخراج کرده‌ام:

جمعه ۱۴ آذر ۱۳۹۹

***- دومین روز اعتصاب و تجمعات رانندگان تاکسی جزیره کیش مقابل ساختمان سازمان منطقه آزاد کیش و مسجد خاتم‌الانبیاء در اعتراض به امضای تفاهمنامه همکاری شرکت عمران، آب و خدمات کیش با شرکت اسنپ**

***- تداوم اعتراض کارگران کارخانه بهمن موتور**

***- ادامه‌ی اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری صیدون در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و یک سال حق بیمه و وعده‌های تو خالی مسئولان**

***- تجمعات اعتراضی اهالی شهر سربندر (بندر امام) نسبت به عملکرد مسئولین پس از بارندگی‌های اخیر**

***- خاتمه‌ی اعتراض کارگران مجتمع تجاری اروند با پرداخت یک ماه مزد معوقه**

***- ادامه‌ی سریال تصادف سرویس رفت و آمد کارگران با تصادف زنجیره‌ای و**

مصدومیت ۳۹ کارگر صنایع پتروشیمی مسجد سلیمان

شنبه ۱۵ آذر ۹۹

***- تجمع اعتراضی پزشکان خانواده در شیراز**

***- کارگران شهرداری صیدون در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و یک سال حق بیمه و وعده‌های تو خالی مسئولان، به ادامه تجمع و اعتصاب خود مشغولند.**

***- شرکت حمل و نقل ریلی: دولت به جای پرداخت بدهی هزار میلیاردی، از طلب خود حرف می‌زند.**

- *- معوقات مزدی کارگران حمل و نقل بار و مسافر یاسوج همچنان ادامه دارد.
- *- کارگران راه آهن خراسان نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه، تجمع اعتراضی نمودند
- *- مهندسان ساختمان تهران نسبت به نابسامانی‌های موجود در تعرفه‌های طراحی مقابل ساختمان سازمان نظام مهندسی، تجمع اعتراضی داشتند.
- *- مراجعه کارگران شهرداری بندرلنگه به دفتر امام جمعه؛ مطالباتمان پرداخت نشده است

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۹

- *- پزشکان خانواده‌ی استان فارس نسبت به مبلغ سرانه و عدم برخورداری از خدمات بیمه و بازنشستگی، تجمع اعتراضی نمودند.
- *- کارگران شهرداری صیدون هشت ماه مزد و ۱۲ ماه حق بیمه طلبکارند.
- *- بیانیه‌ی مشترک دو سندیکا: روز دانشجو یادآور ایستادگی، مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم و دیکتاتوری را گرامی می‌داریم.
- *- مالباختگان سامانه‌ی نیما مقابل بانک مرکزی، تجمع اعتراضی نمودند.
- *- جوانان مریوان نسبت به قطع درختان زاگرس، با حرکت نمادی خویش، دست به اقدام اعتراضی زدند.
- *- دانشجویان دکتری ساکن خوابگاه‌های متاهلی دانشگاه تهران نسبت به تصمیم دانشگاه مبنی بر تخلیه‌ی خوابگاه‌ها در ساختمان ۱۶ آذر دانشگاه تهران، تجمع اعتراضی داشتند.
- *- کارگران بازنشسته‌ی شهرداری آبادان نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده‌های توخالی مسئولان، تجمع اعتراضی نمودند.

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۹

- *- دادستان تاکستان مطرح کرد: ممانعت از تعطیلی یک واحد تولیدی و بیکاری ۲۰۰ کارگر با ورود دستگاه قضایی.
- *- کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد ماهشهر نسبت به عدم پرداخت حقوق و مطالبات برای دومین روز متوالی، تجمع اعتراضی نمودند.
- *- تشریح آخرین وضعیت مجتمع هفت تپه از زبان کارگران
- *- پای صحبت‌های یک زن فروشنده: مصائب کار کارمزدی؛ صدها زن مانند من با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارند.
- *- کارگران تراورس مطرح کردند: قبل از خروج پیمانکار مطالبات کارگران پرداخت نشود.
- *- مینی‌بوس‌داران بندرعباس مقابل استانداری هرمزگان در اعتراض به کمبود گازوئیل در

- جایگاه‌های سوخت بندر عباس، تجمع و اعتصاب نمودند.
- *- تعلیق ۸ باره‌ی هپکو طی ۵ ماه؛ مسئولان بورس و تأمین اجتماعی رسیدگی کنند.
- *- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ بیکاری مربیان آموزشگاه‌های رانندگی با شیوع کرونا؛ تحت پوشش بیمه نیستیم.
- *- تصاویری که یک کارگر از زندگی در ذهن دارد؛ چربی، فشار و قند برای بازنشستگان چند تمام می‌شود؟ سیاست حداقل بگیرسازی با قدرت ادامه دارد.
- *- صدها کارگر ریسندگی و بافندگی کاشان به دنبال تعطیلی کارخانه به دلیل قطع برق، بیکار شدند.

سه شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۹

- *- سرگردانی پنج ماهه‌ی کارگران بیکار شده‌ی کمر بند سبز اهواز؛ علی‌رغم بازگشت به کار هنوز شروع به کار نکرده‌ایم.
- *- رانندگان تاکسی جزیره‌ی کیش برای اعتراض به همکاری شرکت عمران، آب و خدمات کیش با شرکت اسنپ؛ دیگر بار دست به تجمع و اعتصاب زدند.
- *- گلایه‌ی برخی کارگران از عدم برقراری مقرر بیکاری؛ چند ماه منتظر بمانیم؟!*
- *- یک مقام مسئول خبر داد: ۳۲۱ واحد صنفی تولیدی حوزه‌ی پتروشیمی رفع تعلیق شدند.
- *- ادامه‌ی معوقات مزدی کارگران پیمانکاری شهرداری یاسوج؛ شهردار: پیمانکار اگر توان پرداخت ندارد، کارگران را به بیمه‌ی بیکاری معرفی کند.
- *- دشواری زندگی کولبران در سراسر کردستان؛ بیانیه‌ی ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری دنیا در باره‌ی کولبران به زبان‌های فارسی و کردی.
- *- اعتراضات کارگران حق طلب فضای سبز شهرداری منطقه ۲ اهواز نسبت به ادامه‌ی بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان ادامه دارد.

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۹

- *- جوانان جویای کار و اهالی شهر سرداران شوشتر برای دومین روز جاده را به روی سرویس کارگران شرکت کشت و صنعت خمینی بستند.
- *- کارخانه‌ی ایزوگام دلیجان سوخت؛ ابهام درباره‌ی آینده‌ی شغلی کارگران
- *- وزیر راه و شهرسازی: برخی واردکنندگان حاضر به تخلیه‌ی کالا از انبارهای بنادر نیستند.
- *- کارگران اتوبوسرانی شهرداری آبادان در اعتراض به دستمزد های معوقه اعتراض کردند.
- *- کارگران نیروگاه‌های برق نسبت به کاهش حقوق، تبعیض و عدم پراخت بموقع، به

ادامه‌ی اعتراض برآمدند.

- *- انتقاد پذیرفته‌نشده‌گان آزمون نهضت سوادآموزی از ادامه بلا تکلیفی؛ مجلس طرح جذب آزمون پذیرفته‌نشده‌گان را بررسی کند.
- *- مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد؛ بیکاری تابستان ۱۸,۵ درصد؛ ۲۲ درصد بیکاران به جمعیت غیرفعال پیوستند.
- *- مطالبات مزدی کارگران قطار شهری اهواز هنوز پرداخت نشده است.
- *- در نشست کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران مطرح شد؛ پیمانکاران عمرانی در حال انقراض هستند؛ بیکاری ۲ میلیون نفر نزدیک است. وجود ۸۰ تا ۹۰ هزار پروژه‌ی نیمه تمام ثبت شده است.
- *- دامداران استان سمنان نسبت به کمبود و گرانی نهاده‌های دامی مقابل استانداری، تجمع اعتراضی نمودند.
- *- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ زنان، مردان و کودکانی که جز نان و کوه همراه دیگری ندارند؛ کولبران قاچاقچی نیستند، کاسبان مرزی‌اند.
- *- نیروهای قرارداد کار معین حق طلب آموزش و پرورش مقابل مجلس، تجمع نمودند.
- *- بیانیه‌ی مشترک گروه‌ها و تشکل‌های کارگری، معلمان و بازنشستگان: واکنس همگانی و رایگان، خواستی فوری و عمومی قلمداد می‌گردد.
- امضاء کنندگان این بیانیه عبارتند از: ۱- گروه کارگری/معلمی ۱۹ اسفند ۲- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران ۳- گروه اتحاد بازنشستگان ۴- کانون گفتگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی ۵- اتحاد بازنشستگان ایران ۶- سندیکای نقاشان البرز ۷- شورای بازنشستگان ایران ۸- کمیته پیگیری در راه ایجاد تشکل‌های کارگری
- *- روزگار سخت بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور؛ وعده‌هایی که در آذر سوخت.
- *- کارگران شرکت آتیه سازان پرشیا برای اعتراض به کاهش حقوق، اعتصاب نمودند.
- *- تعدادی از فروشگاه‌های توزیع مرغ آذربایجان شرقی، وارد دومین روز اعتصاب خود شدند.

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۹

- *- کارگران سازمان پسماند شهرداری بجنورد برای تأمین امنیت شغلی، به ادامه‌ی اعتراض پرداختند.
- *- کارگران کارخانه‌ی سامان کاشی بروجرد نسبت به عدم پرداخت مطالبات و بلا تکلیفی شغلی مقابل فرمانداری، تجمع اعتراضی نمودند.
- *- فعال کارگری در قزوین: یارانه نمی‌خواهیم. دستمزدها را واقعی کنید؛ خط فقر به ۱۰ میلیون تومان رسیده. لزوم اختصاص اعتبار همسان‌سازی در بودجه سال آینده.
- *- فرهنگیان سردشت نسبت به عدم تحویل زمین و مسکن مقابل فرمانداری و شرکت

مسکن فرهنگیان، تجمعات اعتراضی برپا داشتند.

*- در تماس با ایلنا مطرح شد؛ سه ماه مقرر بی‌کاری طلبکاریم؛ گناه ما چیست که در ایام کرونا بی‌کار شدیم؟!

*- کشاورزان شهرستان رودان نسبت به قیمت پایین بادمجان با ریختن محصولشان به کف خیابان، اعتراض نمودند.

جمعه ۲۱ آذر ۱۳۹۹

*- کارگران اخراجی اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای قزوین علیرغم وعده و وعیدها، با ادامه‌ی بلا تکلیفی شغلی و بیمه‌ای همچنان روبرویند.

*- معاون قضائی دادستان کل کشور مطرح کرد؛ امنیت شغلی ۱۷ هزار کارگر یکی از واحدهای تولیدی شهریار در خطر است؛ مسئولان کمک کنند.

*- کانون نویسندگان ایران: بیانیه‌ی بیش از هزار و سیصد نفر از نویسندگان، شاعران، هنرمندان و کنشگران اجتماعی و سیاسی.

*- ایلنا گزارش می‌دهد؛ سبد معیشت در آبان به ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید؛ افزایش حداقل ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی در هزینه‌های زندگی.

نمای آنچه را که در فاصله‌ی یک هفته (جمعه ۱۴ تا جمعه ۲۱ آذر) عیناً از روز شمار کارگری هفته آورده‌ام؛ نشان می‌دهد که این اعتراضات با وجود کمیت فراوان و گسترش جغرافیایی و تنوع صنفی، به دلیل پراکندگی و نداشتن تشکل، فاقد تأثیرگذاری هموزن خود هستند؛ ولی به هر روی هر یک آنان اعتراضی شکل گرفته در برابر قدرت حاکم است که خود نمایانگر مطالبات برآورده نشده‌ای است که در پهنه‌ی جغرافیای ایران، در وضعیت دشوار تورم لجام گسیخته، گرانی، بی اعتباری پول ملی، دستمزد ناچیز، نبود بیمه‌ی درمان و بیمه‌ی بی‌کاری، تمامیت نیروی رنج و کار جامعه‌ی ما، آنان را در پیکره‌ی سلسله اعتراضات متنوع بدون هیچ واژه‌ای از بُود پاندمی کرونا، به هر طریقی در کف خیابان فریاد می‌زند.

امروز به مانند چهار دهه حاکمیت سرمایه در ایران، همه‌ی پایه‌های بی توجهی و کم توجهی کلیت کارگران نظام در نادیده گرفتن قانون اساسی، که باید خود پاسدار و مجری مفاد آن باشند، آنجا که در یکی از اصول خود به صراحت بر حق برخورداری از بیمه‌ی بی‌کاری و نیز تعهد دولت به تأمین آن برای آحاد مردم تأکید کرده، به چشم می‌خورد.

طبق اصل ۲۹ قانون اساسی، «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است

همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.» اما در این میان که همه‌ی این حقوق قانونی به هیچ گرفته می‌شود، راهی جر رویارویی آشکار بین نیروی مادی کار و سرمایه باقی نمی‌ماند!

در دل این بحران عمومی، باید علیه همه‌ی پورسانت بگیران و رانت خواران و بدنه‌ی بوروکراسی فاسد دولت روحانی، امنیتی‌ها و فرقه‌ها که در خانه‌های‌شان می‌نشینند و برای مردم خبر تهیه می‌کنند تا خود را کارساز جا بزنند، جنگید. باید همواره دنبال نقطه‌ی تعادلی باشیم که سطوح پراکنده‌ی این اعتراضات را وارد فاز سازمان‌یافته‌تری نماید!

آنچه به مثابه‌ی وظیفه‌ی روشن پیش‌روی ما است، این بوده و است که مردم را متشکل و سازمان‌یافته بباییم. نیروهای آگاه و مترقی وظیفه دارند به مردم یادآور گردند که در این رویارویی نابرابر، تنها راه اعمال اراده‌ی جمعی در تشکل‌یابی‌شان، کلید راهیابی سطوح این مبارزه‌ی نابرابر، برای پرکردن شکاف‌هاست. تا آن هنگام که توده‌ی به‌پا خاسته نتوانند اراده‌ی جمعی خود را به صورت متشکل اعمال کنند، در این جنگ نابرابر یا شکست می‌خورند یا باید در پی راه فردی و در پراکندگی برای فرار از مهلکه باشند. چهار دهه مبارزه نشان داده که در برابر دشمن نشان‌دار و یکدست بوقت سرکوب، دنبال کردن راه‌های فردی و غیر متشکل، برون رفت جمعی از انسداد موجود را صرفاً دشوارتر می‌کند و اعمال کنندگان قدرت سرکوب را بر آن می‌دارد که قوی‌تر عمل کنند و همه‌ی راه‌های پیش‌روی را سد نمایند.

باید به مردمان جامعه قبولاند: راه نجات حل معضلات جامعه و خلاصی آن با انداختن برگه‌های رأی در صندوق انتخابات جناح‌ها و یا در ترجیح انتخاب بد در برابر بدتر جناح‌های سیاسی غرق در دزدی، اختلاس و فساد نیست. برای خلاصی و راه‌یابی جامعه به دموکراسی، منجی راه‌یابنده و راه‌جویی در خارج نیست که از آستین این و آن به در آیند و یا با دخیل بستن به کائنات و فقهای همه چیز دان، صندوق و ضریح و عالم غیب حاصل نمی‌آید. امید تنها پایگاهی است که می‌تواند این جامعه‌ی در شرف فروریزی را نجات دهد. امید را هم نباید این در و آن جستجو نمود تا کامروا شد. امید را باید بنا نهاد و ساخت.

همه‌ی نیروهای چپ و باورمند به مبارزه و دست‌یابی به برابری و دموکراسی باید با مسئولیت تاریخی خود عمل نمایند. مبارزه‌ی سازمان‌یافته از مسئولیت‌شناسی می‌آید. چپ از عملکرد شکست بیرون نیامده است، که امروز، دیروز خود را بیوسد و به کناری نهد و با نگاه یأس آلود که «چه بودیم و چه شدیم» رو به سوی راه زوال یافته دیروزی برد. برعکس باید از شکست گذشته بیاموزد و دریابد در این مبارزه‌ی نابرابر - کار و سرمایه

- ضرورتاً باید بر قدرت بود نه با قدرت، در کنار مردم بود نه در برابر آن‌ها و دست یاری رو به سوی شهنه‌ای نبرد که خود از پیروزی مردم و اقتدار آنان رو ترش می‌کنند! یادمان نرود برای تشکل‌های پایه‌ی کارگری یگانه راه تجمیع آن‌ها در تشکل‌های مستقل، و سازمان‌یابی و تقویت همگرایی‌ها و پیشروی آنان در پیکار توده‌ای‌شان است. برای مردم متفرق نیز راهی جز تجمیع آن‌ها و سازمان‌یابی متشکل‌شان، به صف شدن در پایگان مبارزاتی خویش، بدوت توسل به خدا و شاه و نجات بخش دیگری، هیچ راه ناگزیری برای برون رفتن شرایط موجود نیست!

یادمان نرود ما که تجربه‌ی یک انقلاب بزرگ را پشت سر خود داریم و در بهمنی دیگر به ۴۳ امین سالگرد آن ورود می‌کنیم. باید دریابیم؛ محال است اکثریت قاطع توده‌های مردم ایران علیه بی‌حقی عمومی و فلاکت موجود بشورند و دست به اقدامات مستقل توده‌ای برند، ولی با نظام تولیدی حاکم در این کشور به ستیز بر نخیزند. امری که در بهمن ۱۳۵۷ رخ داد و شاه تا آبان آن سال، به زبان خویش گفت که «صدای انقلاب مردم را شنیدم». امروز هم هر مبارزه‌ای برای رهایی و حق حاکمیت مردم در ایران و پایان دادن به بی‌حقی عمومی، تنها با در افتادن با ستمگری و تکیه‌گاه مادی آن، یعنی کلیت نظام فراهم می‌آید. دست غیبی در کار نخواهد بود که با موشک‌های کروز خود، یک‌باره شادی و آبادانی را بر جهنم اسلامی حادث کند!

باید بپذیریم با سلام و صلوات و فوت کاسه‌گری چیزی بدست نمی‌آید. دمکراسی را تنها می‌توان از دل مبارزه‌ی نابرابر موجود و از طریق جنگیدن با همه‌ی مخالفین دمکراسی بدست آورد. آزادی و دمکراسی امری نیست که در روز آفتابی آن‌را به درون سینی جای دهند و بر سر درب هر منزلی پیشکش کنند.

باید با صدای بلند به گوش هر کسی خواند و به نوعی فرو کرد؛ هیچ دگرگونی بنیادی در وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران غارت زده، بدون در هم شکستن نظام تولیدی بهره‌کشانه‌ی حاکم و ایجاد یک نظام تولیدی آزاد از بهره‌کشی و چپاول، عملی نخواهد شد. این را هم شاه و هم شیخ در دیروز و امروز به خوبی به یاد دارند و از همین روست که با زبان زور سخن می‌گویند. کسی که این حقیقت آشکار و مسلم را نپذیرد و یا لاپوشانی کند، بزرگترین حقیقت درباره‌ی انقلاب ایران را انکار کرده است.

امروز به مانند دیروز، واژگونی جمهوری اسلامی وظیفه‌ی مقدم انقلاب و نجات ایران است. در هم شکستن این رژیم فوق استبدادی که روح حاکمان پیشین را - در حدی که مردم به کفن دزد قبلی، درود می‌فرستند - سفید کرده، یگانه وظیفه‌ی عموم آحاد جامعه است.

این امر با دخیل بستن به طرح و نقشه‌ی این و آن و «پیمان نوین» آمرانه‌ی شاهانه فراهم نمی‌آید. باید آن‌را با نیروی محرکه‌ی اصلی و اساسی آن در صحنه‌ی رویارویی‌های

روزانه یعنی (کارگران، معلمان، پرستاران، سایر مزد بگیران جامعه، بازنشستگان، روستائیان زحمتکش، جمعیت میلیونی بیکاران به همراه خانواده‌های‌شان که دانشجویان و فارغ التحصیلان و آنان که با قلم پیکار می‌کنند) که همان جمعیت ۹۹ درصدی جغرافیای ایرانند که در کف جامعه‌ی ما موجود و هر روز بابت این حضورشان هزینه می‌پردازد، همراه شد. سازمانش داد. سنگر بندی نمود و آرایش مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری را تدارک دید. در غیر این صورت دستیابی به آزادی و برابری و دمکراسی و راه دستیابی بدان‌ها پروراندن خواب خوش خیالی بیش نیست و بدون این مبارزه متشکل و سازمان‌یافته هیچ آزادی و دمکراسی و برابری و عدالت اجتماعی، دست یافتنی نیست!

روزشمار کارگری هفته شماره ۳۸ را از سایت روزشمار کارگری، لینک زیر می‌توانید دنبال کنید!

<http://karegari.com/maghalat/2020/12/22/Roozshomar%20kargari%2038%20AmiR.pdf>